



## ای انتظامی

سروده ای از دکتر فلور طاهر تهرانی (خاور دخت)

دخترت را صیغه اعراب می خواند آخوند  
"متحّب" باشد اگر با زائران هم بستند  
بوی کنداش رود بر سر کران و بر فضا  
در اسارت می کشد زن را در ایران له چنین  
پس خیالش زن بود گاوی ز اصل و از نژاد  
امرا و خوانی و دادی بر چنین دیوی عنان  
حق او نشاسی و بر ضدّ او جولا نگری  
گر نخواهد بردگی، اخراج باید او شود  
جمله رزم زنان کشورت بر تن کنی  
زن بود انسان و یاری هم‌ره و یاور ترا

انتظامی مادرت را "گاو" می خواند آخوند  
آشکارا گوید او زنها چو گاوند و خزند  
این چنین بی شرم الدنکی دهد حکم قضا  
بهر حفظ "عفتی" ای سگونه زیر نام دین  
چون بود کوساله این آخوند و از مادر براد  
تو بری فرمان این کوساله بر ضدّ زنان  
زن چو بر کیر و چک از سر به زندانش بری  
گر نخواهد زن ستم، زندان باید او رود  
سنگ بادت انتظامی کر ستم بر زن کنی  
زن بود مادر ترا، همسر ترا، دختر ترا

زن در ایران بوده سردار و امیر کشورت

انظامی امر این نامردمان در کور کن

حق زن را بر شناس و قدر او زین پس بدان

خیز و این بند تو خش را از کشور برگشا

نه اسیری و کنیزی از برای بسترت

فکرت شیطان پرستان را ز ذنبت دور کن

دشمن بیایه زن را ز مندا بران

چون نیکانت به داد و آدمیت در گشا